



Original Article



A Comparative Study of Abortion and Child Killing in Primitive Ignorance and Modern Ignorance with Reference to Quranic Verses

Sepideh Razi^{1*} , Ali Almasi², Zahra Ardian Taheri³

1. Ph.D. in Hikmat Ta'alieh, Isfahan University, Isfahan, Iran

2. PhD in Islamic Studies in English and Member of the Faculty of Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran

3. Third Level Student, Kashan Seminary, Kashan, Iran

Article history:

Received: 25 August 2023

Revised: 31 August 2023

Accepted: 06 September 2023

ePublished: 16 September 2023

*Corresponding author: Sepideh Razi,
Esfahan University, Esfahan, Iran

Email: sepidehrazi@gmail.com

Abstract

Background and Objective: In the Holy Book of Muslims, various forms of child killing in the era of ignorance (pre-Islamic era) are mentioned, and different methods of such acts are condemned and rejected. Considering that the verses of the Quran are not specific to a particular time or period, the adaptation of different aspects of this manifestation of ignorance in the 21st century has been examined as a necessity in conducting the present study.

Materials and Methods: This research is being studied and examined theoretically using a descriptive-analytical research approach. Documents, books, and articles are examined as part of the library-based data-collecting process.

Results: Studies and surveys show that during the early stages of ignorance, child-killing happened for a variety of causes, including poverty, vows, and idol worship, and it was not exclusive to any gender at all. Disturbingly, superstitious beliefs and materialistic impulses pervaded society, leading to the horrible practice of burying females alive. Modern science and technology have led to the evolution of these antiquated customs, which now mostly take the form of abortions. The continuation of this horrible crime is attributed to several factors, such as cultural desires for male children, financial difficulties, and deceptive advertising by the capitalist system. In order to prevent and end such crimes, it is imperative to recognize these fundamental causes, deal with cultural deficiencies, and strengthen social governance.

Conclusion: The problem of killing a child in the present age is also happening like primitive ignorance, with the difference that it is performed with other titles and new scientific methods and abortion in different ways. This issue shows that the ignorance mentioned in the Qur'an is not specific to the time before Islam, and it can occur at any time and period, depending on the performance of humans.

Keywords: Abortion, Killing, Children, Poverty, Gender, Primitive Ignorance, Modern Ignorance, Quranic verses

Please cite this article as follows: Razi S, Almasi A, Ardian Taheri Z. A Comparative Study of Abortion and Child Killing in Primitive Ignorance and Modern Ignorance with Reference to Quranic Verses. *J Religions & Health*. 2023; 3(1): 21-29 DOI: 10.32592/jorh.3.1.21





بررسی تطبیقی سقط و کشتن فرزند در جاهلیت بدوی و جاهلیت مدرن

سپیده رضی^{۱*} ، علی الماسی^۲، زهرا آردیان طاهری^۳

۱. دکترای حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. دکترای مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کاشان، کاشان، ایران

۳. طلبه سطح سه، حوزه علمی کاشان، کاشان، ایران

چکیده

سابقه و هدف: در کتاب آسمانی مسلمانان، از انواع کشتن فرزند در جاهلیت بدوی سخن به میان آمده و روش های مختلف آن مذمت و رد شده است. با توجه به اینکه آیات قرآن برای زمان و دوره ای خاص نیست، تطبیق وجوه مختلف این جلوه از جاهلیت در قرن ۲۱ به عنوان ضرورت تألیف این مقاله بررسی شده است.

مواد و روش ها: مطالعه و بررسی این پژوهش از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی است. روش جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت پذیرفته است.

یافته ها: بررسی ها و مطالعات نشان می دهد که در جاهلیت اولیه، فرزندان را به دلایل مختلفی فارغ از جنسیت، همچون تقرب به بت ها، ادای نذر، فقر و... می کشتند و دختران را علاوه بر این موارد، به دلایل روان شناختی حاکم بر جامعه که ریشه در خرافه گری و مصرف گرا بودن دختران داشت، زنده به گور می کردند. مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که در عصر حاضر نیز این روند ادامه دارد، با این تفاوت که با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی، این مسئله بیشتر از طریق سقط جنین اتفاق می افتد. دلایلی همچون فقر و مشکلات اقتصادی خانواده ها، ضعف فرهنگ حاکم بر جامعه، التفات به جنسیت خاص (پسر) و تبلیغ های صورت گرفته از طرف نظام سرمایه داری برای حفظ منافع خود از عوامل اصلی چنین جنایتی است.

نتیجه گیری: مسئله ی کشتن فرزند در عصر حاضر نیز مانند جاهلیت بدوی، در حال وقوع است، با این تفاوت که با عناوینی دیگر و با روش های علمی جدید همچون سقط فرزند از طرق مختلف صورت می پذیرد. این نشان می دهد که جاهلیت مطرح شده در قرآن به زمان پیش از اسلام اختصاص ندارد و در هر زمان و دوره ای به فراخور عملکرد انسان ها، ممکن است جاهلیت جریان داشته باشد.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۰۳

تاریخ ویرایش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

* نویسنده مسئول: سپیده رضی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

ایمیل: sepidehrazi@gmail.com

واژگان کلیدی: سقط، کشتن، فرزند، فقر، جنسیت، جاهلیت بدوی، جاهلیت مدرن، آیات قرآن

استناد: رضی، سپیده؛ الماسی، علی؛ آردیان طاهری، زهرا. بررسی تطبیقی سقط و کشتن فرزند در جاهلیت بدوی و جاهلیت مدرن. مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا، پاییز و زمستان ۱۴۰۲؛ ۳(۱): ۲۹-۲۱.

مقدمه

جمله آیه ای است که به وجود جاهلیت اشاره دارد. از آنجایی که دین مبین اسلام آخرین دین الهی و قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی برای هدایت انسان هاست، آیات قرآن به زمان خاصی اختصاص ندارد، بلکه برای همه ی زمان ها نازل شده است و تا قیامت کاربرد دارد؛ از این رو، ثابت می شود جاهلیت دیگری قبل از قیام آخرین ذخیره ی الهی وجود خواهد داشت.

همچنین، از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «من بین دو جاهلیت برانگیخته شدم که دومین آن سخت تر از

در پژوهش های تاریخی، دوره ی عرب قبل از اسلام و متصل به ظهور اسلام روزگار جاهلیت نامیده شده است. روزگاری که بت - پرستی، جهل و خرافه گرایی از شاخصه های مهم آن به شمار می آمد. خداوند در قرآن کریم چهار مرتبه از واژه ی جاهلیت با نگرش منفی یاد کرده و امت مسلمان را از آداب و رسوم آن زمان بر حذر داشته است. در جایی می فرماید: «وَقُرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» و در خانه هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت های خود را آشکار مکنید...» [۱]. این آیه از

فرزندکشی که یکی از مصادیق آدم‌کشی است، در قرآن کریم به‌صورت مجزا و مکرر ذکر شده است. فرزندکشی در آن زمان در سه مقطع و به سه دلیل بود:

- «وئد البنات» که در خصوص دختران بود؛
 - کشتن فرزندان اعم از دختر و پسر، در سال قحطی و از بیم نداری و تنگی معیشت؛
 - ذبح و فداسازی فرزندان برای بت‌ها به‌عنوان قربانی [۷] [۶].
- برای تبیین بهتر و پژوهش دقیق‌تر نیاز است در ادامه، انگیزه‌های کشتار فرزندان در زمان جاهلیت با توجه به آیات قرآن بررسی شود.

۱.۱. قربانی کردن فرزندان برای تقرب به بت‌ها

از جمله دلایل کشتن فرزندان تقرب یافتن به بت‌ها بود که ریشه در خرافات حاکم در آن زمان داشت. در این رابطه، آیه‌ای در سوره‌ی انعام مطرح شده است که می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لَكِثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُرَدُّوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ...» [۱]. مفسران دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با چگونگی وقوع این مسئله در آن عصر و دلایل آن مطرح کرده‌اند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

▪ **ذبح اولاد برای نذر و تقرب به بت‌ها:** علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان کرده است که محبوبیت واقعی بت‌ها در دل‌های مشرکان سبب شده بود فرزندکشی در نظر بسیاری از آنان زینت داده شود و تا آنجا در دل‌های آنان نفوذ پیدا کند که فرزندان خود را به‌منظور نزدیکی به بت‌ها برای آن‌ها قربانی کنند. این قربانی‌ها غیر از زنده‌به‌گور کردن دختران بود؛ زیرا آیه بیان می‌کند که اولاد خود را قربانی می‌کردند و اولاد هم شامل دختران و هم شامل پسران می‌شود [۸].

▪ **زنده‌به‌گور کردن دختران به‌دلیل اظهار شکر و تقرب به بت‌ها:** برخی از محققان انگیزه‌ی زنده‌به‌گور کردن دختران را اظهار شکر و تقرب به الهه به‌وسیله‌ی قربانی کردن برای بت‌ها دانسته‌اند؛ زیرا در طول تاریخ، قربانی کردن فرزندان برای تقرب به خدایان امری مشهور بوده است، همچنان که فراعنه این کار را انجام می‌داده‌اند و هرساله، دختران جوان زیبارویی را برای تقرب به خدایان، به نیل می‌انداختند. این عادت نزد یونانیان و رومیان و مردم دیگر سرزمین‌ها نیز شایع بوده است [۹، ۱۰].

▪ **ذبح فرزند پسر برای نذر و تقرب به بت‌ها:** عده‌ای از مفسران قائل به این هستند که این آیه به ذبح فرزند پسر برای ادای نذر یا تقرب به بت‌ها اشاره می‌کند. مشرکان یا برای بت‌ها نذر می‌کردند که اگر خواسته‌شان برآورده شود یکی از پسران خود را قربانی کنند، یا برای تقرب به خدایان و به انگیزه‌ی دینی پسرانشان را می‌کشتند [۱۱، ۱۲].

هرچند نظر مفسران در مورد مصداق واژه‌ی اولاد (دختر یا پسر یا هر دو) مختلف است، کشتن فرزندان در دوران جاهلیت بدوی

اولی است. در این حدیث، آشکارا به وجود جاهلیت دوم پس از بعثت حضرت (ص) اشاره شده که سخت‌تر و بدتر از جاهلیت اول است [۴-۲].

هنگامی که از جاهلیت مدرن سخن به میان می‌آید، چنین به نظر می‌رسد که جاهلیت مربوط به زمان گذشته بوده و امروزه، در دوران عقلانیت بشر، سخن از آن حرفی گزاف و مخالف تمدن بشری است. منتها با تأمل در مفهوم جاهلیت و آنچه بر بشر امروز می‌گذرد، روشن می‌شود که این معضل بزرگ امروز هم‌گریبان‌گیر بشر است. گذاشتن نام جاهلیت بر عصر حاضر که در آن، بشر ادعای عقلانیت و فهم بالا دارد و صاحب فرهنگ و تمدن و علم و اکتشاف است، برای بسیاری از افراد سخت و درک‌ناشدنی است و این افراد آن را انکار می‌کنند [۴].

قتل فرزندان در عصر جاهلیت بدوی نشانگر نهایت جهل و گمراهی اعراب جاهلی بود. کشتن فرزندان در زمان جاهلیت بدوی از جمله کارهای ناپسند و خلاف وجدان آدمی بود که اسلام با آن به مخالفت کامل برخاست [۵]. با ظهور اسلام، پیامبر اکرم (ص) قتل فرزند بزرگ یا کوچک، دختر یا پسر، ناقص‌الخلقه یا تام‌الخلقه و عقب‌افتاده یا کامل را حرام اعلام کرد و فرمان به اجتناب از آن داد [۶]. در این پژوهش، با بررسی کشتار فرزند در عصر حاضر، به تطبیق چگونگی کشتار فرزند در جاهلیت بدوی و جاهلیت مدرن با استناد به آیات قرآن می‌پردازیم. تاکنون، پژوهشی در این باره با چنین هدفی صورت نپذیرفته است.

روش کار

با مراجعه به آیاتی از قرآن [۱] که درباره‌ی کشتن فرزند بود و تحلیل و ارزیابی آن‌ها به‌صورت توصیفی تحلیلی، عنوان اصلی مقاله بررسی و نتیجه‌ی مبتنی بر آن محقق شد. روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بود و پژوهش با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات انجام شد.

نتایج

از دیدگاه اسلام، کشتن فرزند در جاهلیت ریشه دارد. با مراجعه به قرآن و بررسی آیاتی [۱] که در زمینه‌ی کشتار فرزند در جاهلیت قبل از اسلام و بیان برخی دلایل مهم آن است، روشن می‌شود که کشتار فرزند در عصر حاضر نیز در حال انجام است و عصر حاضر به جاهلیتی بس بزرگ‌تر و عمیق‌تر از جاهلیت بدوی مبتلاست.

بحث

۱. عوامل کشتن فرزندان در دوره‌ی جاهلیت بدوی

پژوهش‌های تاریخی گویای این مسئله است که در جاهلیت قدیم، کشتار فرزند به‌دلایل مختلف یکی از رسوم پذیرفته‌شده قلمداد می‌شد. با وجود آنکه در رابطه با آدم‌کشی و نهی از آن در قرآن به‌صورت مستقیم سخن به میان آمده است، مسئله‌ی نهی از

برای ادای نذر و تقرب به بت‌ها حقیقتی انکارناپذیر است که در تاریخ ثبت شده و به‌صورت متواتر نقل شده است.

۲.۱. کشتن فرزندان به دلیل فقر

یکی دیگر از دلایل کشتن فرزندان در دوران جاهلیت اولیه، ترس از فقر و نداری بود. با ظهور اسلام در جزیره‌ی عرب، رسول گرامی اسلام به‌شدت با این تفکر مبارزه و مردم را از این کار نهی کردند. در قرآن کریم، صراحتاً در این باره سخن به میان آمده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ...»؛ فرزندان خود را از ترس فقر به قتل نرسانید، روزی آن‌ها بر شما نیست، آن‌ها و شما را ما روزی می‌دهیم، چرا که قتل آن‌ها گناه بزرگی بوده و هست» [۱]. دلایل این اقدام توسط اعراب جاهلی را می‌توان به موارد زیر تقسیم کرد:

■ **اقلیم و موقعیت جغرافیایی:** اعراب در سرزمینی زندگی می‌کردند که بسیار دچار قحطی می‌شد. به همین دلیل، هنگامی که نشانه‌های قحطی را می‌دیدند، اول کاری که می‌کردند، برای حفظ آبرو و عزت و احترام خود، فرزندان خود را می‌کشتند [۸].

■ **وضعیت معیشت نامناسب:** برداشت دیگری که از فحواي این آیه می‌توان داشت، به وضع اقتصادی اعراب جاهلی در آن برهه برمی‌گردد. وضعیت مادی اکثر مردم آن قدر سخت و طاقت‌فرسا بود که حتی گاهی فرزندان خود را از ترس فقر به قتل می‌رساندند [۹].

اما درباره‌ی اینکه اعراب جاهلی فقط دختران را به دلیل فقر زنده‌به‌گور می‌کردند یا اینکه جنسیت فرزند در این باره مدنظر نبوده و پسران را نیز شامل می‌شده است، در میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد:

■ **دیدگاه اول:** بعضی مفسران معتقدند که همه‌ی آیات به زنده‌به‌گور کردن دختران اشاره کرده‌اند و مشرکان چه به دلایل ناموسی مانند اسارت در جنگ‌ها و چه از روی فشار فقر و ناتوانی در تأمین هزینه‌ی زندگی و مصرف‌کننده بودن دختران، تنها آنان را به قتل می‌رساندند یا زنده‌به‌گور می‌کردند [۹].

■ **دیدگاه دوم:** در مقابل، بعضی مفسران عقیده دارند که در دوران جاهلیت، دو نوع قتل فرزند وجود داشته: یکی زنده‌به‌گور کردن دختران به دلیل حفظ ناموس که مختص دختران بود و دیگری کشتن فرزند از ترس فقر که جنبه‌ی عمومی داشت و پسر و دختر در آن تفاوت نداشتند. دلایل این ادعا را می‌توان چنین بیان کرد:

لله یکی از دلایل اصلی این ادعا سیاق ظاهری آیه است: استفاده از ضمیر جمع مذکر در عبارت (قتلهم) می‌تواند بر این نظر که اولاد در این آیه جنبه‌ی عمومی دارد و شامل دختر و پسر می‌شود، دلالت داشته باشد؛ زیرا از نظر ادبیات عرب، اطلاق جمع مذکر به پسر و دختر به‌صورت مجموع ممکن است، ولی برای دختران استفاده از چنین ضمیری بعید به نظر می‌رسد. همچنین،

درست است که در آن جامعه پسران قادر به تولید بودند و سرمایه محسوب می‌شدند، اما این در صورتی بود که توانایی تأمین هزینه‌ی آن‌ها را در کوتاه‌مدت داشته باشند، درحالی که گاهی آن قدر در فشار بودند که حتی توانایی اداره‌ی زندگی آن‌ها را در کوتاه‌مدت هم نداشتند [۹].

لله علامه طباطبایی نیز بر این باور است که منظور از اولاد در این آیه هم دختر و هم پسر است و این آیه به‌صورت کلی، کشتن اولاد از ترس فقر و نداری را نهی کرده است؛ زیرا علتی وجود ندارد که اولاد را حمل بر خصوص دختران کنیم. از طرفی، هیچ دلیلی وجود ندارد که جمله‌ی «أَيُّمُسْكُهُ عَلَى هُونٍ» [۱] را حمل بر ترس از فقر کنیم، با اینکه می‌دانیم هون با فقر در معنا متغایرنند. پس، از آیه‌ی مورد بحث کشف می‌شود که اعراب غیر از مسئله‌ی دخترکشی (وَأُد)، سنت دیگری داشتند و آن این بوده است که از ترس خواری و فقر فرزند خود را، چه دختر و چه پسر، می‌کشتند و به خیال خود با آن عمل، خود را از خواری حفظ می‌کردند [۸]. در مجموع، قرآن کریم با بیان اینکه «خداوند روزی فرزندان شما را می‌دهد»، روشن می‌سازد که فقر و ترس از نداری تنها بهانه‌ای است که به‌واسطه‌ی آن، در عصر جاهلیت بدوی، کودکان بی‌گناه کشته می‌شدند. خداوند در این آیات به‌صراحت اعلام می‌کند که این اندیشه‌ی شیطانی را کنار بگذارید و با تلاش و کوشش و توکل بر خدا زندگی خود را اداره کنید.

۳.۱. زنده‌به‌گور کردن دختران؛ معضل فرهنگی و اجتماعی

از دردناک‌ترین و وحشیانه‌ترین پدیده‌های عصر جاهلیت قبل از ظهور اسلام، پدیده‌ی زنده‌به‌گور کردن دختران بود. در دوران جاهلیت بدوی دختران مایه‌ی ننگ محسوب می‌شدند و در برخی قبایل مرسوم بود اگر دختری متولد می‌شد، او را زنده‌به‌گور می‌کردند. در آن زمان، اعراب جاهلی بین دختر و پسر تبعیض قائل می‌شدند و تنها برایشان پسر ارزش داشت و به داشتن آن افتخار می‌کردند [۱۴، ۱۵].

قرآن کریم به‌صورت اختصاصی به این موضوع پرداخته و می‌فرماید: «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» [۱]؛ هنگامی که به یکی از آن‌ها خبر می‌رسید که صاحب دختر شده است، رنگ صورتش به سیاهی می‌گرایید و بدین‌وسیله، آثار خشم و نارضایتی و اندوه در سیمای آن‌ها هویدا می‌شد و خشم و غم سراسر وجودشان را فرا می‌گرفت. کسی که صاحب دختر شده بود، به دلیل شرمساری و سرافکنندگی در برابر خبری که به او داده شده بود، از مردم مخفی می‌شد. پیش خود می‌اندیشید که با طفل مظلوم چه کند؟ آیا او را با خواری و مشقت نگه دارد یا زنده‌به‌گورش کند. بدانید که آن‌ها بد قضاوت می‌کردند؛ زیرا برای خود چیزی قرار می‌دادند که پسندشان بود و برای خداوند چیزی قرار می‌دادند که مطلوب خودشان نبود [۱۶]. جمله‌ی «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ»

را زنده‌به‌گور می‌کرد تا آبروی قبیله‌ی خود را حفظ کند. همچنین، اعراب به بهانه‌ی اینکه مبادا هم‌کفوی برای دخترانشان یافت شود، دست به این جنایت وحشتناک می‌زدند [۲۱، ۱۳، ۱۲].

شاید محرومیت زن از مقام والای انسانی خویش در جامعه‌ی جاهلی به این جنایت کمک کرده باشد. در دورانی که زن محبوس و در نهایت ذلت و خواری بود، به‌گونه‌ای که ضعف و بیچارگی طبیعت ثانوی او و واژه‌ی «زن» با کلمات ذلت و ضعف مترادف شده بود، نوزاد تازه‌تولد یافته به «جرم دختر بودن» زیر خروارها خاک مدفون می‌شد تا بدین‌وسیله، ریشه‌ی ضعف و زبونی از خانواده برچیده شود [۲۱، ۱۲].

۱.۳.۳. عوامل اقتصادی و جنگ‌های قبیله‌ای

شبه‌جزیره‌ی عربستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی، در منطقه‌ی گرم و خشک قرار داشت و به همین علت، کشاورزی و دامداری با مشکلات زیادی روبه‌رو بود و چرخه‌ی اقتصادی بسیاری از خانواده‌ها کند پیش می‌رفت و فقر دامن‌گیر بسیاری از خانواده‌ها بود. در چنین شرایطی، چون دختران همانند پسران مولد اقتصادی نبودند و در غارتگری‌ها و نگهداری گله‌ها و... صرفه‌ی اقتصادی زیادی برای خانواده‌ها نداشتند و بیشتر مصرف‌کننده بودند، همین عامل و انگیزه‌ای برای حذف آنان توسط خانواده، خصوصاً پدر خانواده بود؛ گویی در آن زمان جنگ بر سر زنده ماندن در فقر و بدبختی بود و کسی باید حذف می‌شد که نان‌خور اضافه به حساب می‌آمد و نمی‌توانست برای قبیله نان‌آور باشد. این اندیشه‌ی باطل چنان در اذهان اعراب جاهلیت نقش بسته بود که همچون رسمی متعارف در این سرزمین شایع بود. همچنین، وجود جنگ‌ها و نزاع‌های مستمر قبیله‌ای سبب از دست رفتن مردان و پسران می‌شد و همین امر توازن آمار دختران و پسران را بر هم می‌زد. به همین دلیل، پسران به‌حدی عزیز شده بودند که تولد پسر مایه‌ی مباهات و در عوض، تولد دختر مایه‌ی رنج و نگرانی خانواده به شمار می‌رفت [۲۱، ۱۳، ۱۲].

۱.۳.۴. عوامل عقیدتی

به نظر می‌رسد که زنده‌به‌گور کردن دختران از اعتقاد دینی اقوام و ملل گذشته نیز نشئت می‌گرفته است؛ زیرا برخی عقیده داشتند که دختران سرچشمه‌ی شر و پلیدی و آفریده‌ی خدایی غیر از خدایانشان هستند [۲۱، ۱۲] و برخی آنان را مایه‌ی ننگ و عار می‌دانستند و درصدد بودند تا با کشتن این افراد این لکه‌ی ننگ را از چهره‌ی خانواده‌ی خود پاک کنند. شیطان نیز در دل اینان وسواس می‌انداخت که وجود دختران شما ننگ و عار است و درویشی و قربانی کردن ایشان برای بت‌ها موجب تقرب است و بر هر تقدیر این سخن را در نظر ایشان می‌آراست [۲۲].

در نتیجه، تحقیقات نشان می‌دهد که شدت نفرت، فقر، غیرت و انگیزه‌های دینی به دخترکشی منجر می‌شد؛ به‌طوری که بعضی

[۱] کنایه از شدت غم و اندوه مرد عربی است که صاحب دختر شده است. اعراب برای کسی که دچار حادثه‌ای ناخوشایند شود، می‌گویند: «اسود وجهه؛ صورتش سیاه شد» [۱۷]. این تصویر روانی شگفت‌انگیز نشانگر عصر جاهلیت است که چون به مردی خبر می‌دادند که همسرش دختری به دنیا آورده است، اندوهگین می‌شد و چهره‌اش از غم سیاه می‌شد. این مشکل که قرآن کریم ضمن به تصویر کشیدن، به نکوهش آن پرداخته است، یکی از معضلات بارز اجتماعی در دوران جاهلیت بود [۱۸].

واژه‌ی «موؤده» به معنای دختر کوچکی است که زنده‌زنده در زیر خاک دفن می‌شود. این دختر زنده می‌شود و درحالی‌که دفن‌کننده‌ی او می‌شنود، از وی می‌پرسند: «چرا دفن‌کنندگان تو را زنده در زیر خاک دفن کردند؟» و این پرسش به‌منظور تشدید عذاب دفن‌کننده صورت می‌گیرد [۱۷].

قطعاً زنده‌به‌گور کردن دختران در عصر جاهلیت ریشه در تفکرات مردم آن زمان داشته است؛ زیرا این مسئله به‌قدری دل‌خراش و شنیع است که انسان هرقدر هم خوی وحشی‌گری داشته باشد، باز به‌راحتی نمی‌تواند دختر کوچک خود را زنده‌زنده دفن کند. در ادامه، به دلایل زنده‌به‌گور کردن دختران دقت می‌شود.

۱.۳.۱. عوامل روان‌شناختی و تبلیغی حاکم بر جامعه

بررسی‌ها گویای این مسئله است که زنده‌به‌گور کردن دختران امری ساده نیست و دارای ریشه‌های اجتماعی و روانی بسیاری است که در فرهنگ و عادات و رسوم خرافی و جاهلی آن زمان ریشه دارد. در عصر جاهلیت بدوی، جو حاکم مبتنی بر تنفر داشتن از دختر بوده است. کراهت داشتن از دختران دلیلی بیرون از ذات زن داشت؛ زیرا کاملاً خلاف عقل است که آدمی آن‌قدر عاطفه‌ی خود را زیر پا بگذارد تا به کشتن انسانی که بی‌دفاع و ضعیف است و پاره‌ی تن خود اوست، افتخار و مباهات کند و او را با دست خویش، زنده‌زنده به خاک بسپارد. اعراب جاهلیت در حالی دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند که از کشتن حیوانات دوری می‌کردند و معتقد بودند در صورت کشتن حیوانات، مجازات خواهند شد. همچنین، آنان از قطع گیاهان و خوردن آن‌ها جز در مواقع ضروری پرهیز می‌کردند [۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۹، ۲۰].

۱.۳.۲. ضعف و فقر فرهنگی حاکم بر جامعه

دلایل واهی و بدون مبنایی همچون تعصبات افراطی تحت لوای دفاع از ناموس و حفظ حیثیت و شرافت خانواده که به‌دلیل فقر فرهنگی حاکم بر جامعه بود، مردمان عصر جاهلی را بر آن داشت تا دختران خود را زنده‌به‌گور کنند. ضعف و ناتوانی دختران منجر به اسارت آنان می‌شد و در نتیجه نوامیس قبیله به دست بیگانگان می‌افتادند و لکه ننگی را بر دامن قبیله به ویژه خانواده آن‌ها بجای می‌گذاشت؛ عرب جاهلی به بهانه‌ی اینکه دختر خود را حفظ کند تا در جنگ‌ها اسیر نشود یا به حمله‌ی آدم بی‌سروپایی گرفتار نیاید، او

از افراد با بی‌رحمی تمام، دختران خود را می‌کشتند یا زنده‌به‌گور می‌کردند، آن‌ها را از کوه پرت می‌کردند و گاه غرقشان می‌کردند یا سرشان را می‌بریدند [۲۳، ۲۴].

۲. کشتن فرزندان در جاهلیت مدرن

بررسی‌ها و پژوهش‌های آماری، اجتماعی و روان‌شناسی بیانگر این است که مسئله‌ی کودک‌کشی در عصر مدرن حاضر نه تنها منسوخ نشده و به زباله‌دان تاریخ نیپیوسته است، بلکه تحت القاب و عناوینی پرمطراق و در چهره‌ای جدید درآمده و انسان متمدن و به‌ظاهر پیشرفته‌ی امروزی آن را تأیید و قبول کرده است. در عصر حاضر، در بسیاری از کشورها، خصوصاً در کشورهایی که داعیه‌دار توسعه و پیشرفت جهانی هستند، فرزندکشی در قالب‌های گوناگون مانند سقط جنین با بیان دلایل مختلف، توجیه شده است و آن را متناسب با زندگی بشر قرن ۲۱ دانسته‌اند و در نهایت، آن را به‌عنوان یکی از قوانین در قانون اساسی خود وارد کرده‌اند. آنان این قوانین را مصادق پیشرفت تفکر بشر و لازمه‌ی جهان متمدن کنونی می‌دانند [۲۵].

شاید چنین گمان می‌شد که مخاطب قرآن در این آیه اعراب جاهلی بودند، اما اتفاقات قرن اخیر بیانگر این مطلب است که مخاطب نوع بشر بوده و نه صرفاً انسان‌هایی در دوره‌ای خاص. پس، مخاطب این آیه (وَ إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) نه اعراب جاهلی قبل از ظهور اسلام که تمامی انسان‌ها در تمامی ادوار هستند.

شهید مطهری در این باره بیان می‌کند: «ما خیال کرده‌ایم فقط عرب جاهلیت کار جاهلیت می‌کرده؛ درحالی‌که فرقی ندارد، سقط جنین هم یک عمل جاهلی است. جاهلیت چهارده قرن پیش روی این حساب که من فرزندم را چگونه نان بدهم یا به خیال جاهلانه که دختر مایه‌ی ننگ است، فرزند خود را می‌کشد. وقتی هم کسی دخترش را می‌کشد، از اطراف می‌گفتند: "بارک الله. احسنت. تو چقدر مرد هستی." در جاهلیت امروز هم روی این خیال جاهلانه که اگر بچه زیاد داشته باشیم، مردم خیال می‌کنند ما عقب مانده هستیم، بچه را سقط می‌کنند. فقط روی خیال و توهم و حماقت که شیک‌ها و روشن‌فکرها بچه‌شان کم است، می‌گویند ما هم باید بچه‌مان کم باشد. اگر عرب جاهلیت می‌گفت: "دختر ننگ است" این می‌گوید: "بچه از دوسه تا که بیشتر شد، چه پسرش و چه دخترش ننگ است." خیال نکنید قضیه برای زمان جاهلیت اعراب بوده و انسان امروز مخاطب این آیه نیست، بلکه از شما سؤال خواهد شد که بچه را به کدامین گناه کشتید؟» [۲۶].

در آیات قبل بیان شد که خداوند در قرآن کریم، اعراب جاهلیت را از کشتن فرزندان‌شان نهی فرموده است. از آنجایی‌که قرآن مخصوص قوم خاص و محدود به دوره‌ی خاصی نیست و هدایتگر تمام انسان‌ها تا روز قیامت است، این نهی شامل کشتن جنین‌های بی‌گناه در عصر حاضر هم می‌شود که می‌توان دلایل این عمل را در قرآن بررسی کرد. در ادامه، دلایل کودک‌کشی در عصر جاهلیت

مدرن بررسی خواهد شد.

۱.۲. کشتن فرزندان به دلیل فقر

کشتن فرزندان در زمان جاهلیت مدرن به شکل دیگری در حال تکرار است. امروزه، به بهانه‌ی کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه را خصوصاً در حالت جنینی به قتل می‌رسانند. گرچه امروز برای سقط جنین دلایل بی‌اساس دیگری ذکر می‌کنند، مسئله‌ی فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلایل عمده‌ی آن است. این در حالی است که فرزندکشی و سقط جنین، چه پسر و چه دختر، جنایت است و گناه محسوب می‌شود [۱۳]. [۲۷]. تصور اشتباه برخی آن است که قدرت تأمین نیازهای مالی و اقتصادی کودکان تازه‌متولدشده را ندارند، درحالی‌که خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً بِمِلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا...». این آیه به‌صراحت بیان می‌کند رزق کسانی که متولد می‌شوند، نزد خدا محفوظ است. با وجود اینکه در عصر حاضر زنده‌به‌گور کردن فرزندان توسط اعراب جاهلیت بسیار بی‌رحمانه به نظر می‌رسد، کشتار فرزندان به‌وسیله‌ی تجهیزات پزشکی در حال انجام است. این در حالی است که خداوند در قرآن بیان کرده است: «وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُمْ...» [۱]. در این آیه، مراد از کشتن زنده‌به‌گور کردن فرزندان، کشتن جنین در شکم و کشتن اولاد از ترس فقر و تنگ‌دستی است و با عبارت «و لا يقتلن أولادهم» علی وجه من الوجوه، لا بالوآد و لا بالإسقاط» در تفاسیر دیگر بدان پرداخته شده است [۲۸-۳۰]. در ادامه، با بررسی تحقیقات میدانی و پیمایشی صورت‌گرفته، درباره‌ی این مسئله با دقت بیشتری بحث می‌شود.

- گزارشی در روزنامه‌ی گاردین با عنوان «می‌توان به زنان در شمال ایتالیا پول پرداخت کرد تا از سقط جنین منصرف شوند» ثبت شده است که یکی از دلایل مهم سقط جنین را وجود مشکلات اقتصادی می‌داند و گزارش می‌دهد که طبق پیشنهادی که یکی از مشاوران راست افراطی ایتالیا ارائه کرده است، می‌توان به زنان باردار در منطقه‌ی شمالی پیمونت ایتالیا، مبلغ چهارهزار یورو پول داد تا در ازای آن، از سقط جنین منصرف شوند. این پیشنهاد محکومیت احزاب مخالف و گروه‌های حامی زنان را به دنبال داشت. بر اساس برآوردهای مائوریتزیو مارونه، مشاور منطقه‌ای سیاست‌های اجتماعی، این منطقه باید ۴۰۰ هزار یورو به انجمن‌های ضدسقط جنین بدهد تا این پول را در اختیار ۱۰۰ زن قرار دهند و با این راهکار آن‌ها را از سقط جنین منصرف کنند. مارونه معتقد است با این روش ۱۰۰ کودک دیگر در پیمونت متولد خواهند شد و اگر این کمک صورت نگرفته بود، به دلیل مشکلات اقتصادی، مادرانشان به دنیا نیامده بودند [۳۱، ۳۲].

- در ایران نیز به گفته‌ی رئیس کارگروه جمعیت و سرمایه‌ی اجتماعی کمیسیون علمی، فرهنگی و اجتماعی دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمداسماعیل اکبری، سالانه نزدیک به ۵۳۰ هزار سقط عمدی در ایران صورت می‌گیرد. در واقع، سقط عمدی

مسئله‌ای که این شرکت‌ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم با آن مواجه شدند، بحث کارگران و حقوق کارگران بود. نظام سرمایه‌داری تمایلش به این بود که بتواند کارگرانی داشته باشد که حداقل دستمزد را بخواهند و نظام بیشترین کنترل را روی آنان داشته باشد. آن‌ها پی بردند که بحث خانواده و فرزند بسیار روی دستمزد کارگران تأثیرگذار است. کارگری که فرزند داشته باشد، اولاً با هر دستمزد و شرایطی کنار نمی‌آید و مطالبات بیشتری می‌کند و ثانیاً نمی‌توان به راحتی ساعت و مکان کاری او را کنترل کرد و تغییر داد، خصوصاً اگر این کارگر زن باشد؛ زیرا زنان نیروی کار ارزان تری در مقایسه با مردان هستند و تغییرات فیزیولوژیکی حاصل از بارداری و پایین آمدن کارایی آنان و همچنین، امتیازات و مرخصی‌های حاصل از شرایط ایجادشده، از نظر منافع اقتصادی، به هیچ وجه برای سرمایه‌داران نمی‌صرفد. در نتیجه، کارگری که فرزند نداشته باشد یا حداقل فرزند کمتری داشته باشد، برای قشر سرمایه‌دار مطلوب‌تر است. همین مسئله باعث شد که در اوایل قرن بیستم، بحث کاهش تعداد فرزندان را به جد پیگیری کنند [۳۸].

۲.۳. عوامل راون‌شناختی و ولن‌گاری فرهنگی در پوشش حقوق بشر

انقلاب جنسی عامل مهم دیگری است که باعث شد سقط جنین ترویج پیدا کند و در غرب عادی شود. جنبش آزادی جنسی که در دهه ۶۰ شکل گرفت، عموماً از افرادی تشکیل می‌شد که لذت جنسی را پیشینه‌ی زندگی‌شان قرار داده بودند. آن‌ها به دنبال روابط و لذت‌های آزاد جنسی بودند، به گونه‌ای که بتوانند به هر میزان و تعداد و بدون هیچ چهارچوبی روابط جنسی داشته باشند. بحث بارداری مانعی برای این نوع سبک زندگی بود؛ زیرا در روابط لذت‌محور جنسی، همیشه خطر بارداری وجود دارد. مردانی که خواهان روابط آزاد بودند، نمی‌خواستند تعهد بدهند و بار فرزند را که به علت هوسرانی روی دوششان افتاده بود، بپذیرند. برای زنان هم پذیرفتن بچه و مسئولیت‌هایش وقتی خانواده و تعهدی وجود نداشت، بسیار سخت بود؛ اما از آنجایی که در نگاه دین مسیحیت، نطفه یا جنین از روز اول یک انسان کامل محسوب می‌شود، این عمل رسماً نوعی قتل به شمار می‌آید. پس این مسئله نیازمند پوششی بود تا بتوان آن را توجیه کرد. در نگاه غربی، کلمه‌ی «حقوق بشر» مهم‌ترین مسئله به شمار می‌آید. از این رو مسئله‌ی حقوق بشر، حق زن و مالکیت بدن مطرح شد. آن‌ها معتقد بودند چون بارداری در بدن زن رخ می‌دهد و زن مالک بدن خودش است، می‌تواند با بدن خود هر کاری می‌خواهد انجام دهد؛ در نتیجه، حق دارد جنین درون رحم خود را سقط کند، بدون آنکه حقی به عنوان بشر برای آن جنین قائل باشد. این گونه شد که در سال ۱۹۷۳، دادگاه عالی امریکا قانونی را تصویب کرد و گفت تا سه ماه در همه‌ی ایالت‌ها، سقط باید آزاد باشد [۳۸]. نتیجه‌ی این ولن‌گاری فرهنگی چیزی جز فستیوال‌های هم‌جنس‌گرایی و روابط با حیوانات و سلوگامی در

یا جنایی نزدیک به یک‌سوم کل سقط‌ها را تشکیل می‌دهد که رقم بالایی است. از نگاه کارشناسان، مجموعه‌ای از عوامل، به‌ویژه مشکلات مالی و اقتصادی در ایران، عامل بسیاری از سقط‌هاست [۳۹].

- تحقیقات و مطالعات پیمایشی انجام‌شده درباره‌ی عوامل مؤثر بر اقدام زنان به سقط جنین عمدی در تهران و تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از سقط جنین، نشان می‌دهد که یکی از عوامل سقط جنین عمدی ناامنی اقتصادی است [۳۳].

- در مطالعه‌ای با عنوان «شواهد تازه از سقط جنین عمدی در شهر تهران: میزان‌ها، دلایل و تغییرات»، یکی از عوامل مهم سقط جنین عمدی فقر و مشکلات اقتصادی بیان شده است که موجب ناتوانی در نگهداری از فرزند می‌شود [۳۴].

- پژوهش دیگری با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری زنان برای سقط عمدی جنین و نگرش اعتقادی و شرعی آنان در این باره» بیان می‌کند که یکی از عوامل مهم سقط جنین عمدی فقر و مشکلات اقتصادی است [۳۵].

- مطالعه‌ی کیفی دیگری در این زمینه با عنوان «دلایل سقط جنین عمدی در ایران» صورت گرفته است که نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها عامل اصلی سقط جنین عمدی را وجود مشکلات اقتصادی و مالی می‌دانند و هیچ مصاحبه‌ی گروهی‌ای نبود که این علت در آن مطرح نشده باشد [۳۶].

این گزارش‌ها و تحقیقات و نمونه‌های دیگری از این موارد گویای این است که در عصر حاضر نیز مسائل اقتصادی دستاویزی برای سقط جنین و از بین بردن کودکان است. این نگرش همانند دیدگاه برخی افراد در زمان جاهلیت بدوی است که نشئت‌گرفته از آن است که تصور می‌کنند اداره‌ی زندگی فرزندان به دست آن‌ها است و به همین سبب، برای آسایش زندگی و شهوترانی اقدام به این عمل می‌کنند [۳۷].

ترس از فقر و نداری اندیشه‌ای است که با پیشرفت علم و دانش و توسعه‌ی امکانات بشر، باز هم اصلاح نشده است. گرچه سالیان زیادی است که از جاهلیت بدوی می‌گذرد، جاهلیت با روشی نوین بر قدرت خود باقی است.

۲.۲. منافع اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری

قانونی کردن سقط جنین در دنیای امروز نوعی هموار کردن این راه و تشویق مردم از طرف دولت‌ها و حکومت‌ها است. در بسیاری از کشورهای دیگر نیز که قانونی مبنی بر مجوز سقط جنین وجود ندارد، ممانعتی از این مسئله به صورت قانونی صورت نمی‌پذیرد.

نظام اقتصادی غرب نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌سالاری است. این بدین معناست که ابرشرکت‌ها و سرمایه‌داران برای به دست آوردن سود بیشتر و بالا بردن سرمایه‌ی خود، تمام مناسبت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این کشورها را تحت تأثیر منافع خود قرار می‌دهند.

سال‌های اخیر نبود.

خود می‌شوند، به راحتی به سمت سقط می‌روند یا از طریق رژیم غذایی، تزریق آمپول یا کاشت تخمک، به پسر شدن فرزندشان کمک می‌کنند. مستند «سونوگرافی» به کارگردانی هاید مرادی، به تعیین جنسیتی اشاره می‌کند که به دست بشر افتاده و عامل نابود شدن موازنه‌ی جنسیت جنین در جهان است [۴۱].

نتایج

مطالعات انجام‌شده که بر مبنای فرازمانی بودن آیات قرآن به عنوان معجزه‌ی آخرین دین الهی شکل گرفته است، حاکی از آن است که کشتار فرزندان فقط محدود به زمان جاهلیت بدوی نیست و امروزه هم با وجود پیشرفت‌های علم و فناوری، به نحوی دیگر این عمل در حال انجام است. طی بررسی‌های انجام‌شده، ثابت شد که فارغ از جنسیت فرزند، فقر و مشکلات اقتصادی یکی از موارد مهمی است که در دوران جاهلیت بدوی و همچنین، جاهلیت مدرن عاملی برای کشتار فرزندان به شمار می‌آید. همچنین، زنده‌به‌گور کردن دختران در جاهلیت بدوی و سقط جنین با جنسیت دختر در عصر جاهلیت مدرن، هر دو از مصادیق کودک‌کشی است که نشان از جاهلیت بشر در طول تاریخ دارد؛ جاهلیتی که حتی با پیشرفت علم و تکنولوژی از میان نرفته است و تنها در سایه‌ی عناوینی زیبا به حیات منحوس خود ادامه می‌دهد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری کردند تشکر و قدردانی می‌کنیم.

تضاد منافع

در نگارش این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل نگارش پژوهش ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری نیز رعایت شده است.

سهم نویسندگان

۴۲ (بیش از ۵۰ درصد) مقاله توسط نویسنده اول و نویسنده دوم و سوم هر کدام حدود ۴۰ (۲۵ درصد) پژوهش را انجام داده‌اند.

حمایت مالی

پژوهش حاضر بدون حمایت مالی انجام شده است.

۴.۲. کشتن فرزند به دلیل جنسیت

در گذشته‌های دور، داشتن فرزند پسر به معنی داشتن نیروی انسانی و اقتصادی بیشتر بود و از آنجایی که هنوز سازوکارهای نظامی و انتظامی در جوامع شکل نگرفته بود، داشتن پسر به معنی داشتن نیروی جنگ نیز به شمار می‌آمد. از این رو، اغلب خانواده‌ها ترجیح می‌دادند فرزند پسر داشته باشند تا فرزند دختر. این ماجرا در برخی جوامع حتی به شکل‌گیری پدیده‌ی از بین بردن نوزادان دختر منجر شده بود. پدیده‌ی زنده‌به‌گور کردن دختران در عصر جاهلیت بدوی از همین قسم است. در عصر جاهلیت مدرن با کمک پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، نوع تازه‌ای از دخترکشی مرسوم شده است، با این تفاوت که این بار نیازی به زنده‌به‌گور کردن دختران نیست، بلکه به مدد علم و تکنولوژی یا اصلاً جنین دختر تشکیل نمی‌شود تا بخواهد زنده‌به‌گور شود یا در همان دوران جنینی، جنین‌های دختر حذف می‌شوند. برحسب تحقیقاتی که در مجله‌ی BMJ Global Health منتشر شده است، از دهه‌ی ۱۹۷۰ تاکنون، سقط جنین بر پایه‌ی جنسیت در کشورهایی مثل چین، هند و ۱۰ کشور دیگر باعث از بین رفتن ۲۳ تا ۴۵ میلیون نوزاد دختر شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰، حدود ۷/۴ میلیون نوزاد دختر دیگر نیز از بین بروند [۳۹].

طبق گزارش‌های متخصصان زنان و زایمان، سقط جنین با جنسیت دختر در عصر جاهلیت مدرن در حال انجام است. به طور مثال، فربیا لباف، متخصص زنان و زایمان، می‌گوید: «بسیاری از والدینی که با آی‌وی‌اف باردار می‌شوند، تأکید می‌کنند فرزند پسر می‌خواهند.» همچنین، برخی مادران هم تمایل دارند فرزند پسر داشته باشند. آن‌ها با آزمایش‌های خون مخصوص و در هفته‌های پایین متوجه جنسیت فرزند می‌شوند و بعد از مشخص شدن جنسیت دختر، دست به سقط می‌زنند. عشوری مقدم، متخصص زنان و زایمان، از والدینی می‌گوید که به مرکز ناباروری او مراجعه می‌کنند، درحالی‌که در پرونده‌ی خود، سابقه‌ی سقط جنین دختر را دارند. نتایج نشان می‌دهد که در مراکز ناباروری، ۵۰ درصد والدین تمایل دارند فرزند پسر داشته باشند. علی صادقی‌تبار، رئیس پژوهشگاه ناباروری ابن‌سینا، تأکید می‌کند که حتی در مرکز او که زوج‌های نابارور به آن مراجعه می‌کنند، برخی از والدین اصرار دارند که فرزندشان با روش‌های علمی پسر شود [۴۰].

خانواده‌هایی که به دنیا آمدن فرزند پسر برایشان بسیار مهم است، وقتی در سه‌ماهگی یا دوماهگی متوجه دختر بودن جنین

REFERENCES

1. Holy Quran.
2. Shafii Sarostani A. Modern ignorance in confrontation with the Imam of the time. Bija: Asr's promised publication. 2010. [Link](#)
3. Khorramshahi B, Sadr A, Fani K. Encyclopaedia of Shiism. Tehran: Hikmat. 2013. [Link](#)
4. Qudousi Z. Commonalities and differences between the first ignorance and today's ignorance. National conference "Islam and modern ignorance, challenges and merits". Mashhad. 2015. [Link](#)
5. Fakhri Razi M. Mofatih al-Ghaib., Mehdi Al-Makhzoumi and Ebrahim Al-Samrai's research. second edition Bey: Daral-Hijrah Institute. 1999.
6. Falahighomi M. The position of the Holy Quran against

- the culture of ignorance. *Quarterly Journal of Cultural and Social Studies of the Quran*. 2023;1(1):159-186. [Link](#)
7. Javadi Ameli A. Tasnim Tafsir of the Holy Quran. second edition. Qom: Esra Publishing Center. 2016.
 8. Tabatabai M. Translation of Tafsir al-Mizan. 20 volumes. Fifth Edition. Translated by Mohammad Bagher Mousavi. Qom: Society of teachers of Qom Seminary. *Islamic Publication Office*. 1995. [Link](#)
 9. Javad A. Al-Mufsal Fi Tarikh al-Arab before Islam, Beirut: Dar al-Alam for the Muslims. 1978. [Link](#)
 10. Nasiri M, Zarekar H. Sociological analysis of the problem of the burial of live infant girls on the Arabian Peninsula in jahiliyyah era. *historical researches of Iran and Islam*. 2017;11(20):197-214. DOI: 10.22111/jhr.2018.3697
 11. Drozeh M; Asr al-Nabi Beirut: Dar al-Qizah al-Arabiya; 1964.
 12. Tabib M, Mohd A, Ghafarpour B. Investigating the phenomenon of Waad in Arab society before Islam. *Scientific Quarterly Journal of Political Sociology of Iran*. 2018;2(3):524-34. DOI: 10.30510/psi.2022.347837.3593
 13. Makarem Shirazi N. Sample interpretation. 28 volumes. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. 1992. [Link](#)
 14. Zamani M. Orientalists and the Qur'an. Qom: Bostan Kitab. 2006. [Link](#)
 15. Talebtash A. Typology of viewpoints regarding the Quran's encounter with the social culture of the revelation era about women's rights. *Religious Research*. 2022;21(44):91-111. [Link](#)
 16. Tabarsi F. Translation of Tafsir Majam al Bayan 27 volumes. Translated by Hossein Nouri Hamdani. Tehran: Farahani. [Link](#)
 17. Mughniyeh M. J. The interpretation of the discoverer. 8 volumes. Translated by Musa Danesh. Qom: Bostan Kitab. 1999. [Link](#)
 18. Pirmoradian M, Islahi M, Islahi M. Comparing the status of women in the Jahili period and after Islam. *The New History Quarterly*. 2014;11:55-80. [Link](#)
 19. Salem A. Arab history before Islam. Tehran: Scientific and Cultural. 1982. [Link](#)
 20. Archo M. Comparing the position of women in the age of ignorance and the Islamic period. *Journal of Islamic History*. 2022;4(8):75-96. [Link](#)
 21. Fatahizadeh F. Women in Islamic history and thought. Third edition. Qom: Bostan Kitab. 2013. [Link](#)
 22. Kashani F. Summary interpretation of the al-Sadeghin method. 6 volumes. Tehran: Islamia. 1984. [Link](#)
 23. Shokri Alosi M. The maturity of the Arabs in the circumstances of the Arabs. Researcher: Mohammad Behjah Al Athari. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [Link](#)
 24. Mehrizi M, Mashhad Alipour M. A Qur'anic and historical analysis on female genital mutilation during the period of ignorance. *Scientific-Research Quarterly of Qur'anic and Hadith Science Research*. 2013;9(2):167-191. DOI: 10.22051/tqh.2012.3333
 25. Hosseini Tehrani M. The light of the Qur'an. 4 volumes. Holy Mashhad: Allameh Tabatabai Publications. 1995.
 26. Motahari M. The collection of works of master Shahid Motahari, 30 volumes. Edition 8. Qom: Sadra. 1993. [Link](#)
 27. Karaati M. Interpretation of light. 10 volumes. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center. 2018.
 28. Qomi Mashhadhi M. Tafsir of Kunz al-Daqaq and Bahr al-Gharaeb. Mohaghegh Hossein Dargahi. 14 volumes. Ministry of Culture and Islamic Guidance. 1989.
 29. Sheikh Alwan N. Al-Fawath Al-Ilahiya and Al-Mawath Al-Ghibiya: Al-Musadah for the Qur'anic Word and Al-Furqaniya Rule. 2 volumes. Egypt-Cairo: Dar Rekabi Llanchar; 1999.
 30. Tabarsi F. Interpretation of Jamaat al-Jama'i. Corrected by Abul Qasim Georgian. 4 volumes. Qom: Qom Seminary, Management Center. 1991.
 31. Seyyedani M. Abortion disaster in the world; What is the solution? 2022. [Link](#)
 32. Abdullahi R. 4 factors that have brought "abortion" to the border of crisis in our country. 2020. [Link](#)
 33. Razaghi Nasrabad H, Senjari E. Factors associated with induced abortion: lived experiences of women in Tehran. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2017;15(2):105-136. DOI: 10.22051/wsp.2017.8299.1165
 34. Erfani A, Shujaei J. New Evidence of Intentional Abortion in Tehran: Rates, Reasons and Changes. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*. 2017;21(3):64-77. DOI: 10.22038/ijogi.2018.11065
 35. Abdul Jabari M, Karamkhani M, Saharkhiz N, Pourhossein Qoli MA, Shokri Khobustani M. Study of the effective factors in women's decision to make abortion and their belief and religious views in this regard. *Journal of Reaserch on Religion & Health*. 2016;2(4):44-54. DOI:10.22037/jrrh.v2i4.13416
 36. Chini-Chian M, Halakoui Naini K, Rafai Shirpak Kh. Voluntary abortion in Iran: a qualitative study. *Payesh Quarterly*. 2016;6(3). [Link](#)
 37. Shah Abdul Azimi H. Tafsir of the Twelver. 14 volumes. Miqat. 1984.
 38. Hemmati A. Why does the west promote abortion? /The capitalist system likes "abortion". Fars news. 2022. [Link](#)
 39. Razzazan A. The auction of the life of the fetus. Pishkhan. 2021. [Link](#)
 40. Shuoghi I, Girls are not allowed to enter! 2022. [Link](#)
 41. Jafari Moazzam M. "Ultrasound" reveals desire to have a son/Reasons for abortions of female fetuses. 2023. [Link](#)